

جمعه

ایران

• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب  
 • **سرمدبیر:** محمدصادق علیزاده  
 • **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری  
 • **دبیرتحریریه:** ونوس بهنود  
 • **دبیران:**  
 • سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)  
 • صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)  
 • آیه طائبی (زندگی)  
 • فاطمه سادات رضوی (طنز)  
 • فرناز اینانلو (زنان)  
 • زینب فروزنده (زوم)  
 • فاطمه کهریایی (فرهنگ)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط  
 • **مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵  
 • **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی  
 • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
 • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸  
 • **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:**  
 ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



از حساسیت‌های نگارش  
 پیرامون این موضوع بگویید.

ستون فقرات اسنادی کتاب، بر پایه اسناد ساواک است و در واقع بخش عمده‌ای از اسناد ساواک در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. اما همان طور که عرض کردم اسناد کتاب محصور به اسناد حکومتی و دولتی نشده است. در واقع اسناد مختلف دیگری همچون اسناد تولیدی توسط سازمان مجاهدین خلق در قالب سند، بیانیه و سایر موارد و یا اسناد مربوط به دادگاه‌های نظامی و یا حتی اسنادی که بعد از انقلاب تولید شده و در رابطه با آن مقطع مورد توجه قرار گرفته است.

تاریخ باید به ما آموزش بدهد.

در واقع در حال حاضر که به سادگی از این اسناد نام می‌بریم، براحتی دست یافتنی نبود و گاهی برای پیدا کردن یک برگ سند هفته‌ها و ماه‌ها جست‌وجوی کردیم تا بتوانیم یک سند مناسب استفاده کنیم.

در این کتاب اسناد تکراری را حذف کردیم، بازجویی‌های متعدد را دسته‌بندی کردیم و مثلاً اگر محسن خاموشی اعترافی داشت که وحید هم همان اعتراف را کرده بود، سعی می‌کردیم کسی را انتخاب کنیم که اطلاعات بیشتری را منتقل می‌کرد. اسنادی که گاهی برای سفارتخانه‌ها بود و در ادامه از تاریخ شفاهی هم بهره‌بردیم؛ تاریخ شفاهی‌ای که برای اولین مرتبه خودمان گفت‌وگو را تولید کردیم.

در روایت کتاب «من اعتراف

می‌کنم، به چه اسناد و مدارکی استناد کردید؟ شما فکر می‌کنید چه قشر از مخاطبین حوزه کتاب و کتابخوانی به مطالعه این کتاب علاقه‌مند هستند. آیا افشار عادی را هم جذب می‌کند؟

ما در بحث مصاحبه‌های موجود در کتاب محدودیتی ایجاد نکردیم. در کشور ما دو نوع نگاه به روایات تاریخی وجود دارد؛ یک عده وقتی می‌خواهند روایت تاریخی داشته باشند، به این گزاره می‌رسند که قرار است با این روایت به چه نتیجه‌ای برسیم؟ طبیعتاً این افراد نتیجه‌گرا هستند.

بالعکس افرادی مثل من معتقد هستیم در روایت تاریخی اساساً نباید به دنبال نتیجه باشیم و نتیجه را باید خود تاریخ به ما آموزش بدهد. در کتاب «من اعتراف می‌کنم» برای ما مهم نبود که شخص وحید افراخته تظہیر یا تخریب شود یا فلان شخصیت مطرح به عنوان شهید یا مسئول در جایگاه فعلی اقول می‌کند.

ما با اطلاع و کمک ریاست وقت مرکز اسناد انقلاب اسلامی حتی به سازمان مجاهدین خلق در رابطه با

نخواهد در فضای اینترنت به دنبال روایت این شخصیت بگردد. این مدخل‌ها به صورت یک پی‌نوشت شخصیت‌نگاری شده است.

من این کتاب را در اینستاگرام خود به فروش رساندم. انتشارات «ایران» با توجه به عملکرد خوب و انتشار کتاب‌های تراز اما همچنان به علت تاخیر این انتشارات، نتوانسته توزیع گسترده‌ای در سطح شهر داشته باشد. در زمان فروش کتاب یک قانون وضع کردم و گفتم هر کس کتاب را خریداری کند و ناراضی باشد، می‌تواند با نوشتن یک صفحه انتقاد به کتاب، آن را نزد ما مرجوع کند. اما در اتفاقی نادر همه اقشاری که این کتاب را خریداری کرده بودند، اعلام رضایت کردند.

نظر شما به عنوان نویسنده‌ای که جایزه جلال آل احمد را کسب کرده است، نسبت به این جایزه چیست؟

حوزه مستندنگاری یکی از سخت‌ترین حوزه‌های نگارش کتاب است. خیلی از افراد مثلاً در حوزه دفاع مقدس مقادیر زیادی اثر تولید کرده‌اند که علت این حجم صرفاً خاطره بودن کتاب‌ها و دسترسی راحت به منابع در این سبک نگارش است. اما شاید در مدت کوتاهی این کار صورت بگیرد. ولی شما وقتی وارد حوزه‌ای می‌شوید که نیاز به اسناد طبقه‌بندی شده دارید، باید برای به دست آوردن پرونده‌ها بجنگید.

گاهی برخی از دوستان که در رابطه با چگونگی دستیابی به این اسناد از بنده سؤال می‌کنند، از سختی دستیابی به این اسناد می‌گویم. پدر من یک کارگر ساده بود. من برای پیدا کردن یک برگ سند فراوان در رفت و آمد بودم و پیگیری متعدد داشتیم تا این اسناد را جمع‌آوری کنم. البته دوستانی همچون آقای روزی طلب و مرحوم حسینیان و برخی مراکز اسناد هم بودند که به بنده کمک کردند. اما این پرونده‌ها هم با محدودیتی روبه‌رو بودند. خیلی از این پرونده‌ها تا به الان سازماندهی نشده‌اند و من مجبور بودم ساعت‌ها وقت بگذارم تا بتوانم مثلاً اسم سرگرد بختیاری

که وحید افراخته را دستگیر کرده بود، پیدا کنم و روند روایی داستان را از نگاه او ببینم.

آدم‌هایی که در این حوزه ورود می‌کنند، اگر عشق جنون‌آمیز نداشته باشند، قطعاً در طول مسیر مأیوس و پشیمان می‌شوند. این پشیمانی به یک علت است که باید چند سال زمان برای یک کتاب صرف کنید و بعد از دو مرتبه نهایتاً چاپ تا ۱۰ درصد از مبلغ پشت جلد را دریافت کنید. این روش اصلاً از لحاظ مالی معقول نیست. در حوزه مدیریت هم به ندرت مدیری پیدا می‌شود که چندین سال یک کتاب را حمایت کند.

شانسی که من در جایزه جلال آوردم این بود که داوران افرادی اهل قلم بودند. شاید اگر از افراد سیاسی در بین داوران حضور داشت، این کتاب امروز جایزه جلال نمی‌گرفت. مثلاً دبیر جشنواره خودش پیشقراول در عرصه مستندنگاری است.

رشحاتی که از سازمان در حال حاضر باقی مانده اند را از لحاظ توان در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟

برخی دچار یک خطای روان‌پریشانه هستند. زمانی که ما درباره یک موضوع تاریخی صحبت می‌کنیم، باید این مسائل را تفکیک کنیم. سازمان مجاهدین از زمان تأسیس تا سال ۱۳۵۴ یک رویکرد و از سال ۱۳۵۴ تا انقلاب اسلامی نیز یک رویکرد دیگر دارد و از انقلاب تا سال ۱۳۶۷ نیز رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است. این بدان معناست که ردپای تفکرات گذشته را در این سازمان نمی‌بینیم اما سازمانی که به کشتن یک امریکایی افتخار می‌کرد، امروز در آغوش امریکایی‌ها آرام گرفته است.

وقایع سیاسی و تاریخی یک مجموعه‌ای از کنشگران مختلف است که مؤثر هستند. بنابراین زمانی که می‌خواهیم راجع به سازمان صحبت کنیم، نمی‌توانیم سال ۱۳۵۴ را قیاس بگیریم و در

رابطه با امروز سازمان صحبت کنیم. این سازمان به شدت در برخی مواقع می‌تواند تأثیرگذار باشد و یک واقعه‌ای را در حوزه جاسوسی و امنیتی رقم بزند و یا یکدیگر ارتباط تشکیلاتی مستحکمی دارند. سازمان دیگر با اسم مستقیم خودش کاری نمی‌کند و دلیلش هم منغور بودن شدید سازمان پس از فرقه‌گرایی است. سازمان از زمان ورود به عراق از رویکرد اجتماعی و سیاسی فاصله گرفت و تبدیل به یک فرقه شد.

اساساً سازمان دیگر برای کنش‌های عمیق اجتماعی حساب باز نمی‌کند و به سمت یک سازمان مزدور حرکت کرده است. ایده آل سازمان این است که جمهوری اسلامی توسط قدرت خارجی ساقط شود و در دوره هرج و مرج بعد از براندازی نقش آفرینی کند و خودش را احیا و سهم خواهی کند.

سطح زندگی یک تاریخ‌نگار از معلمان هم پایین‌تر است

متأسفانه تاریخ و تاریخ‌نگاری روز به روز ضعیف می‌شود. تاریخ پژوهش‌های ایران دو دسته‌اند؛ یا کارمند نهادهای تاریخ‌نگاری هستند یا کار آزاد می‌کنند و با توجه به تیزاز و قیمت‌های فعالیت آزاد ندارند. ما دارای سیستمی نیستیم که ایده‌آلی برای نوجوانی که در مدرسه نشسته با دانشجوی تاریخ است، ایجاد کند زیرا سطح زندگی برخی از تاریخ‌نگاران از سطح زندگی معلمان هم پایین‌تر است.

جایزه جلال آل احمد حتی از هر جایزه‌ای که در حوزه‌های مختلف می‌بینید هم پایین‌تر است. این عدم تمایل چهار صد میلیون تومان عدد بزرگی است ولی شما نسبت به جایزه فجر یا یک جایزه در سایر کشورها مقایسه کنید، می‌بینید عدد چشمگیری نیست.

امیدوارم ساختاری شکل بگیرد که یک دانش آموز و دانشجو بگوید آرزو دارم تبدیل به یک نویسنده بزرگ شوم. اما این آرزو را امروز در دل جوانان نمی‌بینم و امیدوارم روزی محقق شود.



جایزه جلال آل احمد حتی از هر جایزه‌ای که در حوزه‌های مختلف می‌بینید هم پایین‌تر است